

«کشتی پهلو گرفته»

به ایستگاه چهل وسوم رسید

مظفر شجاعی، قائم مقام انتشارات نیستان از انتشار چاپ چهل وسوم کتاب «کشتی پهلو گرفته» اثر سیدمهدی شجاعی در آستانه ایام فاطمیه (س) خبر داد و گفت: اخیراً نیز چاپ چهل و دوم این کتاب منتشر و روانه بازار نشر شد اما به دلیل تفران با ایام فاطمیه، در نظر داریم تا یک چاپ دیگر را نیز روانه بازار کنیم. به گزارش تسنیم، چاپ چهل و چهارم این مجموعه نیز برای عرضه در نمایشگاه کتاب تهران منتشر خواهد شد. شجاعی همچنین از چاپ دوم «قیانوس آرام» اثر محمد سهیلی و «درخت سوخته در باران» که ترجمه بخش‌هایی از دعای ابوحزمه ثمالی است، خبر داد. «کشتی پهلو گرفته» از جمله آثار شاخص ادبیات دینی است که با موضوع زندگانی و شهادت حضرت زهر(س) نگاشته شده است.

از فیلم جدید کارگردان «شیار ۱۴۳» چه خبر؟



کارگردان فیلم «شیار ۱۴۳» در تدارک مقدمات تولید فیلم جدیدش است. به گزارش ایسنا، نرگس آبیاری که پس از کسب بهترین سیمرغ فیلم مردمی و سیمرغ ویژه هیات داوران از سی‌دومین جشنواره فیلم فجر و بهترین فیلم و کارگردانی از سی‌زدهمین جشنواره مقاومت، هنوز فیلم تازه‌ای را مقابل دوربین نبرده است. ۳ فیلمنامه آماده ساخت دارد که قصد دارد در بهار ۹۴ فیلمبرداری یکی از آنها را شروع کند. این فیلمنامه‌ها با موضوعات دفاع مقدس، کودک و نوجوان و اجتماعی است که به محض فراهم شدن سرمایه مورد نیاز پیش تولید کار برای فیلمبرداری در بهار شروع خواهد شد. آبیاری که پیش از این فیلم اجتماعی «کشتیا از آنچه در آئینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند» و فیلم دفاع مقدسی «شیار ۱۴۳» را کارگردانی کرده است، بارها از علاقه خود برای ادامه فیلمسازی در سینمای دفاع مقدس سخن گفته است و اخیراً هم یک فیلمنامه از او به نام «فلس آرام» در بانک فیلمنامه خانه سینما به ثبت رسیده است.

فیلم‌های جدیدی

به شبکه نمایش خانگی می‌آید

در جلسه ۱۰ اسفند شورای پروانه نمایش خانگی که با حضور اکثریت اعضا برگزار شد با عرضه فیلم‌های «مشق تعطیل نیست» قسمت ۵ به تهیه‌کنندگی مشترک تصویر ستاره هنر و همایون ایزد پناه و به کارگردانی بیژن بیرنگ، «چمدان‌های خالی» به تهیه‌کنندگی مثنی اوجانی و کارگردانی حمیدرضا دشتی، «برد و باخت» به تهیه‌کنندگی علی صدیق و به کارگردانی بابک برجسته، «جاده شهریار» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی وحید قاضی میرسعید موافقت شد. به گزارش تسنیم، همچنین در این جلسه با عرضه ۶ عنوان فیلم خارجی نیز موافقت به عمل آمد. براساس جلسه ۱۰ اسفند شورای پروانه نمایش خانگی که با حضور اکثر اعضا برگزار شد، با ساخت فیلم‌های «مرد‌ها و بار عاشق می‌شوند» به تهیه‌کنندگی ایرج طایفه و کارگردانی بهمن گودرزی، «کچدست» به تهیه‌کنندگی محسن محسنی‌نسب و کارگردانی مصطفی الماسی، «دختری که نام ایران» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی علی کرمانی، «ان دو روز دوازده سالگی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی اسرافیل شیرازی، «لحظه انتخاب» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی رحیم صادق‌الودع، «تراس» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی آرش عباسی و «مجموعه دندون طلا» به تهیه‌کنندگی مهران برومند و کارگردانی سیدداوود میرباقری موافقت شد.

پخش میزگرد فرهنگی «پنجره» از شبکه افق

جواد رمضان‌نژاد، مدیر شبکه «فق» از تولید برنامه جدیدی به نام «پنجره» با حضور شخصیت‌های فرهنگی کشور خبر داد و گفت: ضبط این برنامه از چند هفته گذشته آغاز شده است. به گزارش تسنیم، وی اضافه کرد: در بخش دوم این برنامه هر هفته به سراغ موضوعات دیگری از جمله سینما، موسیقی، تئاتر و هنرهای تجسمی می‌رویم و با صاحب‌نظران این حوزه‌ها گفت‌وگو می‌کنیم. رمضان‌نژاد تصریح کرد: این برنامه گفت‌وگو محور متکی بر گزارش‌های تصویری است که در آن سعی داریم تا بنوعی آسیب‌شناسی فرهنگی صورت بگیرد. مدیر شبکه «فق» در پایان با بیان اینکه ضبط قسمت اول این برنامه به پایان رسیده است، خاطر نشان کرد: پخش برنامه «پنجره» که به تهیه‌کنندگی رضا خوشدل و اجرای محمود سالاری است از هفته آینده آغاز می‌شود.

نگاهی به فیلم «ارسال یک آگهی تسلیت برای روزنامه»

افتادن به ورطه تکرار



کاوه قادری: «ارسال یک آگهی تسلیت برای روزنامه» نخستین فیلم بلند ابراهیم ابراهیمیان است. غالباً در مواجهه با فیلم اولی‌ها، آنقدر عیوب ریز و درشت می‌توان یافت که آسان‌ترین امر برای منتقد عیب‌یابی باشد و در این فیلم نیز عنوان طولانی و مبتدیان‌اش، اولین عیبی است که توی ذوق می‌زند و متولیان فیلم، هرطور هم که فیلم را بالا و پایین می‌کردند، می‌توانستند عنوانی درخورتر و در عین حال کوتاه‌تر برایش برگزینند. معمولاً رسم بر این است که اینگونه فیلم‌ها با اغماض مورد قضاوت قرار گیرند؛ با این حال آنچه در پی می‌آید، در مقام قضاوتی به دور از اغماض‌های معمول بر فیلم اولی‌ها است.

فیلم، سوای اینکه به نحوی مبتدیانه، مشابه نقطه عطف دوم «درباره‌الی» را به نقطه عطف اول خود در قالب مرگ پیرمرد بیدل می‌کند و بی‌آنکه درام و منطق روایی آن اقتضا کند، مواجهه کاراکترهایش در قبال موقعیت مرکزی «درباره‌الی» گونه‌ها را «جدایی نادر از سیمین» گونه و در شمایل دروغ و پنهان‌کاری و بازی دومینویی متهم کردن یکدیگر قرار می‌دهد و با وام‌گیری تام و تمام فیلمنامه‌های اش از مختصات مرسوم در آثار فرهادی در تمام ابعاد از جمله تم و موقعیت و چالش و گره و حتی محورهای داستانی، تقریباً هیچ شناسه‌ای از خود و در اثبات فردیت و استقلال خود باقی نمی‌گذارد، به قصه اصلی خود نیز بسیار دیر هنگام ورود می‌یابد و زمان بسیار زیادی را صرف معرفی‌های ابتدایی و بشدت مقدماتی آدم‌های خود می‌کند و در عین حال، به سبب استخراج فقط و فقط چند کنش و نشانه‌های شخصیتی معدود و معین از آنها و عدم قصه‌گویی، از دل هیچ‌کدام از این آدم‌ها نیز شخصیتی بیرون نمی‌زند. فصل ابتدایی فیلم، نه حسی از همذات‌پنداری در ما برای پیرمرد بستری در خانه (که پس از یک‌سوم ابتدایی فیلم فوت می‌کند) ایجاد می‌کند و نه ما را به آدم‌ها (چه اصلی و چه فرعی) نزدیک می‌گرداند و حتی فضایی هم نمی‌سازد و در نهایت قصه نصفه و نیمه مکان را در قالب اتاق پذیرایی و آشپزخانه و بالکن و نهایتاً راهرو روایت می‌کند؛ آن هم فقط و فقط برای تشریح یک موقعیت ساده.

فیلمنامه به لطف ایده مرکزی خوب و البته استقراری که دارد، در آفرینش موقعیت مرکزی خود موفق است و در دراماتیک کردنش هم تا حدودی. اما توان پیشبرد فیلمی ۹۰ دقیقه‌ای را ندارد چون قصه‌ای که روایت می‌کند، اساساً قصه

که خودش ساخته را ندارد بلکه همان تک‌موقعیت را هم به ثمر نمی‌رساند و سرانجام نیز منطق روایی را دور می‌زند و در یک مکافن بازی ظاهراً هیچ‌کافی که ابتدا متعلق به چنین فیلمی نیست (چرا که فیلم، مطلقاً وجه معمایی ندارد و تمام پایه‌های درام، روی پذیرفتن یا نپذیرفتن مسؤلیت در مقابل بنا شده است) اصل ماجرا را طور دیگری نمایان می‌کند و با یک مدیوم شات الکن و مشابه میزاسن پایانی «جدایی نادر از سیمین» از طاهار و ریحان که با فاصله از یکدیگر در ایستگاه اتوبوس نشسته‌اند (گویی که این ماجرا، رابطه‌شان را اساساً به چالش کشیده و پلشتی‌هایشان را آشکار گردانیده است) و ادایی از پایان باز فرهادی‌گونه‌ای که آن هم مطلقاً متعلق به چنین فیلمی نیست (چرا که این فیلم دارای درام موقعیت است و پایان باز در این نوع درام، به معنای فرار از موقعیت و رها کردن فیلمنامه است) پایان می‌یابد.

آنچه در فیلم اول ابراهیم ابراهیمیان محرز به نظر می‌رسد، ذوق و شور و اشتیاق برای جست‌وجوی اثری به لحاظ مضمونی ظاهراً جدید اما باز هم عملاً شبیه به آثار فرهادی (که دروغ و پنهان‌کاری و حقیقت مفقود، از مضامین و احیاناً جان‌مایه‌های آن محسوب می‌شوند) و دستیابی به آن است، کم‌اینکه این را می‌توان از همان دستمایه فضا در درون آدم‌ها محاط و محاکات نمی‌کند و لذا مخاطب، دانما باید در انتظار تنش باشد، بدون اینکه چرایی و چگونگی تنش برایش روشن شده باشد و این، حتی روی کار بازیگران نیز تأثیری مخرب گذاشته است. صابر ابر و نازنین بیاتی، به بازی‌های درونی دارند و هم بازی‌های بیرونی و در این دومی موفق‌اند و در آن اولی ناموفق چرا که به سبب حرفه‌های موجود در فیلمنامه و عدم شکل‌گیری خصوصیات درونی کاراکترها، دقیقاً نمی‌دانند از کدام خصلت درونی‌شان برای پیشبرد حرکت کاراکترهایی بهره بگیرند که علت حرکاتشان نیز تدریجاً مفقود می‌شود و از این رو است که صیادیی بالا می‌رود و دستی به اطراف بویاند می‌شود و جدلی درمی‌گیرد اما پس از چندی خاموش می‌شود و حرکت کاراکترها، حتی در دایره محدود ترسیم شده میان خودشان نیز متوقف می‌شود و پس از آن، تکرار پشت تکرار (حرکت تکراری کاراکترها برای اینکه توقف حرکت آنها و عدم پیشبرد داستان به چشم نیاید) پدید می‌آید و ریتمی مرده، آرامی، به‌راستی که فیلم، چه ساده به ورطه تکرار می‌افتد و نه تنها قدرت عبور از موقعیتی

نمی‌کند، دیگر دوربین روی دست به چه کار می‌آید؟ سکوت‌ها، مطلقاً زمینه‌ساز تنش نیست، چرا که درون شخصیت‌ها، عملاً تهی یا غیرقابل دستیابی بوده و تنش، فقط و فقط از طریق کنش قسه موقعیت و فضا، قصه‌ای را که قادر باشد فیلمی ۹۰ دقیقه‌ای را تحت پوشش قرار دهد، حاصل نمی‌کند و اصلی‌ترین مصیبت فیلم نیز همین است. الگوی درام‌ساز و تنش‌زای به کاررفته در فیلمنامه نیز از منظر دستمایه قرار دادن واقعه‌ای غیرمنتظره و عیان و بیان شدن تنش‌ها و برهم‌کنش‌های پنهان درونی میان کاراکترها از پس آن واقعه، آشنا و به لحاظ تماتیک، کم و بیش مشابه آثار فرهادی، بویژه «درباره‌الی» است؛ این‌بار زن و شوهری که مخفیانه عقد کرده‌اند و در تصاویر فصل ابتدایی همچنان عاشق و معشوق یکدیگرند، قرار است رابطه‌شان در کش و قوس روی زمین ماندن جنس‌زای و تعفن حاصل از آن و پذیرش سهل‌انگاری شان در نگهداری جنازه و به جان خریدن عواقب بعدی آن، به چالش کشیده شود و پلشتی‌های پنهان‌شان (دروغ‌ها و پنهان‌کاری‌ها و دورویی‌ها و تصنع‌ها) آشکار شود. فیلمساز می‌داند که برای تحقق این مهم در فرم، حداقل باید مدیوم شات‌هایی مشترک از زن و شوهر داشته باشد و می‌تانشان نیز فاصله‌ای باشد و در این میان، لابد باید دوربین روی دستی نیز در کار باشد با قاب‌های متحرک و نماهای لرزان؛ تا حتی سکوت را هم زمینه‌ساز تنش گرداند! ظاهراً ابراهیمیان تمام این شرایط را نیز فراهم می‌گرداند اما انگار حواسش به این نکته نبوده که آن هنگامی که آدم‌ها آنقدر ناشناس و غریبه‌اند که نه تنها ما، بلکه خود فیلمساز هم قادر به ورود به درون آنها نیست و حتی کلوزآپ‌ها نیز ما را به آدم‌ها نزدیک

درباره فیلم «پرونده ایپکرس» به بهانه پخش از شبکه نمایش سینمای کلاسی

جیمز باند جغله

«جیمز باند» با آلبرت بروکولی دیگر تهیه‌کننده این آثار بود. سالتسمن که خاستگاهی متغولت (تهیض جوانان خشمگین» سینمای انگلستان) از بروکولی (سیستم تولید هالیوودی) داشت و در سال ۱۹۷۴ برای همیشه از او جدا شد، این فیلم‌ها را در اواسط دهه ۱۹۶۰ در مقابل فیلم‌های «جیمز باند» به بازار فرستاد در حالی که از بسیاری از عوامل سازنده آن آثار (باری، آهنگساز و کن آدام، طراح صحنه در اینجا) نیز سود می‌جست. کین در ایفای نقش «پالم» تا حد زیادی به توصیف دیتن از این شخصیت نزدیک می‌شود: «او چنان در داوریش اشتباه می‌کند که کسی که همیشه می‌پنداشت بله‌ی بیش نیست، نجاش می‌دهد... قهرمان من عینگی است، حقوقش کم است و از نظر مردانگی هم هیچ جذابیتی ندارد.»

«پالم» (که در کتاب دیتن حتی نامی ندارد) نه تنها از توانایی‌های فوق‌بشری «باند» بهره‌مند نیست بلکه شاید بیش از هر «جاسوس» سینمایی دیگری به انسان‌های عادی شبیه باشد. در واقع او بدون آنکه «جیمز باند» باشد، در موقعیت‌های خطیر «باند» قرار می‌گیرد. البته برای شخصیت پالم غیر از مجموعه کتاب‌های موجود دنباله‌های سینمایی دیگری مثل تشییع جنازه در برلین (گای هامپلتن ۱۹۶۶) و مغز یک‌میلیارد دلاری (کن راسل ۱۹۶۷) ساخته شد. پرونده ایپکرس یکی از ۱۰ فیلم جاسوسی تاریخ سینما به شمار می‌رود.

۱۰ فیلم برتر جاسوسی تاریخ

| رتبه | نام فیلم | کارگردان | ویژگی |
|------|---|------------------|---|
| ۱ | «۳۹ پله» (۱۹۳۵) | آلفرد هیچکاک | یکی از بهترین نمونه‌های اولیه فیلم جاسوسی |
| ۲ | «بندام» (۱۹۴۶) | آلفرد هیچکاک | بهترین فیلم جاسوسی هیچکاک با بازی اینگرید برگمن |
| ۳ | «کاندیدای منجوری» (۱۹۶۲) | جان فرانکن‌هایمر | ترکیب جذاب فیلم سرگرم‌کننده با تیم ترس از کمونیست‌ها |
| ۴ | «از روسیه با عشق» (۱۹۶۳) | ترنس یانگ | بهترین فیلم جاسوسی مجموعه جیمز باند با بازی شان کانری |
| ۵ | «جاسوسی که از سردسیر آمد» (۱۹۶۵) | مارتین ریت | نگاهی جدی به جنبه تلخ زندگی جاسوسی |
| ۶ | «پرونده ایپکرس» (۱۹۶۵) | سیدنی جی. فری | ترکیب جذاب جاسوسی بازی و اکشن |
| ۷ | «هویت بورن» (۲۰۰۲) | داگ لیمن | رقیب جوان و بی‌ترس جیمز باند |
| ۸ | «کازینو رویال» (۲۰۰۶) | مارتین کمپبل | بازگشت بیروزمندان جیمز باند به ریشه‌هایش |
| ۹ | «چوپان خوب» (۲۰۰۶) | رابرت دنیرو | داستان نیمه‌واقعی شکل‌گیری سازمان CIA |
| ۱۰ | «تعمیر کار، صیراط، سرباز، جاسوس» (۲۰۱۱) | توماس آلفردسون | بازی شطرنج خطرناکی برای یافتن خائن |



مدیران مرکز امور نمایشی سیما منصوب شدند

محمودرضا تخشید ضمن معرفی مهدی روشن‌روان به‌عنوان مدیر جدید گروه فیلم و سریال شبکه ۵ سیما، در احکام جداگانه‌ای نیز برخی مسؤولان و مدیران مرکز امور نمایشی سیما را معرفی کرد. به گزارش «تسنیم» طبق احکام صادره، عباس نعمتی به‌عنوان مشاور رئیس مرکز امور نمایشی سیما معرفی شد. همچنین رئیس مرکز امور نمایشی سیما، مرتضی حبیبی طاهری را به‌عنوان مشاور اجرایی و مدیر دفتر رئیس مرکز امور نمایشی سیما منصوب کرد. سعید ملیح نیز به‌عنوان مدیر طرح و برنامه این مرکز معرفی شد. محمودرضا تخشید، رئیس مرکز امور نمایشی سیما، در حکمی دیگر مهدی روشن‌روان را به‌عنوان مدیر جدید گروه فیلم و سریال شبکه ۵ سیما منصوب کرد.

«چشمه‌های جاری»

ویژه برنامه نوروزی شبکه قرآن



بهرام محمدی‌نیا، مدیر شبکه قرآن سیما و دبیر شورای معارف اسلامی صداوسیما گفت: «چشمه‌های جاری» که اسمال با محوریت حفظ دسته‌جمعی سوره «ملک» در نظر گرفته شده علاوه بر شبکه قرآن از دیگر شبکه‌های سیما نیز پخش می‌شود. به گزارش تسنیم، مدیر شبکه قرآن سیما گفت: با توجه به اینکه قرأت و حفظ سوره «ملک» یکی از ۵ سوره‌های است که از سوی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) تأکید شده به همین جهت محوریت این برنامه بر این اساس تدارک دیده شده است. دبیر شورای معارف اسلامی رسانه ملی ضمن اعلام اینکه هماهنگی‌ها با رادیو قرآن برای اجرای مشترک این برنامه انجام شده، گفت: «چشمه‌های جاری» از ۱۴ قسمت ۹۰ دقیقه‌ای تدارک دیده شده که هر شب در ایام نوروز از ساعت ۲۰ الی ۲۱:۳۰ بصورت زنده روی آنتن شبکه قرآن سیما می‌رود و با توجه به هماهنگی‌های انجام شده با رادیو قرآن این برنامه به‌صورت مشترک به روی آنتن این شبکه رادیویی نیز خواهد رفت. مدیر شبکه قرآن سیما گفت: با توجه به تقارن ایام شهادت حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) و نوروز در این ایام ارتباطی زنده با اماکن مذهبی برقرار خواهد شد با مخاطبان با حال و هوای این اماکن بتوانند بهره‌مندی بیشتری کسب کنند.

سرنوشت اکران نوروزی ۹۴

مشخص شد

غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش، درباره سرنوشت فیلم‌های نوروزی سال ۹۴ گفت: در جلسه شورای صنفی نمایش فیلم‌های متقاضی اکران در نوروز اعلام و درباره نمایش آنها تصمیم‌گیری شد. به گزارش تسنیم، وی افزود: در این جلسه فیلم‌های سینمایی «رخ دیوانه» به کارگردانی ابوالحسن داوودی در گروه سینمایی استقلال، «پران برگ» مسعود جعفری‌جوهری در گروه آزادی، «طعم شیرین خیال» کمال تبریزی در گروه آفریقا و «استراحت مطلق» عبدالرضا کاهانی در گروه سینمایی قدس برای اکران در نوروز قطعی شدند. فرجی اضافه کرد: تصمیم‌گیری درباره گروه سینمایی فرهنگ هنوز قطعی نشده است اما پیش‌بینی من این است که فیلم «روپاه» بهروز افخمی در این گروه به اکران نوروز برسد.

واکنش به فرش قرمز هالیوود

برگزاری فرش قرمز انجمن بازیگران فیلم (SAG) و مراسم اسکار با اعتصاب‌های برخی افراد همراه بود که در این اعتصاب‌ها به فعالان هالیوود هشدار داده شد که توبه کنند و با خندا روبرو باشند. به گزارش مهر به نقل از هالیوود ریپورتر، افرادی در جهان هستند که انتقادهایی به شیوه زندگی ستاره‌های سینما دارند و بعضاً آنها را منحرف می‌دانند. این افراد شیوه لباس پوشیدن و رفتار آنها را نمی‌پسندند و مردم معتقد نسبت به آن حساس‌تر می‌شوند تا جایی که اعتراض خود را در مراسم بزرگ سینمایی مانند اسکار نشان می‌دهند. مارک استینوس از معتقدان به کتاب مقدس برگزارکننده رویدادهای اعتصابی را در مجاور محل سکونت خود در شهر اورنج کانتی ایالات متحده آمریکا تدارک می‌بیند. استینوس پیغامی نیز برای تمام هالیوودی‌ها دارد، «توبه کنید، با خدا روبرو است بانشید، مشروب‌خواری، مواد مخدر و انحرافات جنسی را رها کنید». اما در اعتراضی دیگر مردی در لباس نظامی و کلاه فلزی به سر، انجیلی را به خیابان آورده و به متحران جنسی منفور، هشدار می‌دهد و خطایش افرادی چون برد پیت، بروس ویلیس و تام کروز است.